

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مبانی مدیریت دولتی ۱

استاد گرامی: جناب آقای دکتر محفوظی

دانشجو: محمدمهدی خردمند

*مقدمه:

در نظام مدیریت دولتی ایران ۴ لایحه ریاست وجود دارد:

۱- فرآیند خط مشی گذاری (نظام رهبری)

۲- سطح خط مشی گذاری (مدیریت سیاسی)

۳- اجرای خط مشی (مدیریت دولتی)

۴- سطح خصوصی (مدیریت خصوصی)

همانطور که ملاحظه می‌گردد مدیریت دولتی حلقه اتصال است میان سطوح یک و دو با سطوح چهارم به عبارت دیگر مدیریت دولتی حلقه‌ای واسط است میان نظام سیاسی و مردم.

*جایگاه درس مبانی مدیریت دولتی:

همانطور که می‌دانید درس مبانی سازمان و مدیریت پیش‌نیاز چنین درسی است و در ادامه مبانی مدیریت دولتی بعنوان یک درس مهم و حساس استراتژیک و حیاتی پیش‌نیاز ۷ درس دیگر می‌باشد.

*مدیریت چیست؟

مدیریت از واژه دَوْرَ به معنی اداره کننده گرفته شده است. مدیریت، علمی است که گروهی از افراد را بمنظور انجام دادن هدفی خاص، هماهنگ می‌نماید. به عبارت کامل‌تر مدیریت عبارت است از استفاده اثربخش و کارآمد از منابع مالی و غیر مالی برای رسیدن به اهداف خاص در پرتوی ارزش‌های اجتماعی با استفاده از برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل. مدیریت علمی است که در عصر صنعتی و فرا صنعتی بعنوان زیربنای تکامل تمدن بشری بیان می‌گردد.

*سازمان چیست؟

سازمان در یک نگاه همانند یک سیستم در نظر گرفته می‌شود، به این معنا که افرادی در کنار یکدیگر قرار گرفته و در جهت رسیدن به مقاصد از پیش تعیین شده تلاش و کوشش می‌نمایند. سازمان عبارت است از مجموعه فعالیت‌های اجتماعی هدف‌دار توأم با آگاهی مبتنی بر اشتراک نیروی انسانی برای رسیدن به اهداف دارای حد و مرز.

*اداره چیست؟

الف) بر اساس دیدگاه دکتر نافع: اداره از سازمان و مدیریت مهم‌تر و بالاتر و وسیع‌تر است. اداره اهداف را تعیین می‌کند. مدیریت برای رسیدن به اهداف تلاش می‌کند و سازمان ابزاری است در دست مدیریت تا بتواند به اهداف برسد.

ب) بر اساس دیدگاه دکتر دانایی فرد: اداره و مدیریت مترادف هم می‌باشند و اما در نگاه تخصصی و جزئی‌تر، اداره بر مبنای دستوالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها، مجوزهای بانکی و مقررات شکل گرفته است. اداره به معنای خدمت کردن می‌باشد و فرآیند حائز اهمیت است، اما مدیریت بر نتایج و تحقق آنها بنا گرفته است.

*دلایل مطالعه مدیریت دولتی:

هر یک از صاحب نظران به فراخور انگیزه و قلمروی شغلی خود به مدیریت دولتی نیازمند است. بر این اساس از ۴ دیدگاه علت مطالعه مدیریت دولتی بیان می‌گردد.

۱- متخصصان دانشگاهی: اساتید دانشگاه خصوصا رشته مدیریت و علوم سیاسی علاقه‌مند هستند چگونگی رفتار مدیران دولتی را ارزیابی کنند. از منظر دیگر هر دولت برای خود سازوکار جداگانه در انجام امور اتخاذ می‌نماید که مطالعه تاریخچه دولت سبب ارائه نظریات و تئوری‌ها می‌گردد. متخصصان دانشگاهی برای آنکه یک نظر سیستمی از گرایش‌ها کردار دولتمردان بیان کنند به سمت مطالعه چنین رشته‌ای می‌پردازند.

۲- مدیران دولتی: برای آنکه بتوانند سازمان، نهاد و ارگانی را بصورت شایسته و کارآمد مدیریت نمایند، می‌طلبند تا مدیریت دولتی نگاهی به آموزه‌های رشته مدیریت دولتی داشته باشد.

۳- سیاست‌گذاران: سیاست‌گذاران برخی از زمان‌ها، سیاست و اداره را دو جزء جدایی‌ناپذیر قلمداد می‌کنند. سیاست‌مداران برای آنکه نظرات خود را به مدیران دولتی جهت اجرا ابلاغ کنند، ضرورت دارد با مبنای چنین درسی آشنایی داشته باشند.

۴- شهروندان: همه انسان‌ها از بدو تولد تا آخرین لحظه زندگی بدون استثنا به صورت مستقیم از خدمات دولت استفاده می‌کنند، به همین جهت علاقه‌مند هستند زیربنای تفکرات مدیریت دولتی را به صورت نسبی بشناسند.

* جوهره مدیریت چیست؟

مدیریت دولتی از لحاظ قدمت و تاریخچه همانند قدمت اجتماع و قدمت دولت می‌باشد. اما پس از جنگ جهانی دوم بعنوان یک رشته علمی و دانشگاهی آکادمیک مطرح شد. این رشته در راستای اجرای سیاست‌های هر دولت گام بر می‌دارد و به استناد گفته «اشراین شالوده» پیشرفت هر کشور و حکومت بر مدیریت دولتی و استبداد از منظر یک مدیریت دولتی را زیربنای توسعه و حکومت تلقی می‌نمایند. مدیریت دولتی از رشته‌های سیاست، حقوق، جامعه‌شناسی، اقتصاد و مهندسی بدست آمده است. اما با تکامل توانسته است بر سایر رشته‌ها سایه بیافکند.

* تعاریف مدیریت دولتی:

هر یک از دانشمندان رشته مدیریت، بر حسب جایگاه علمی خود، تعریفی از مدیریت دولتی ارائه داده‌اند.

ویلسون اعتقاد دارد مدیریت دولتی از سیاست گرفته شده است.

گودنو اعتقاد دارد مدیریت دولتی از رشته حقوق متولد شده است و بیان می‌دارد مدیریت دولتی عبارت است از استفاده از منابع و انسان‌سازی و رسیدن به اهداف دولتی.

وایت، مدیریت دولتی را بعنوان مطالعه قدرت‌ها، سازمان‌ها، دولت‌ها و مردم می‌داند.

پل اپل بای، به جدایی اداره از سیاست اعتقادی ندارد و بیان می‌دارد به علت آنکه سیاست و اداره دو مجموعه

درهم شده می‌باشند، بر یکدیگر تاثیر گذارند و در نهایت مدیریت را خط مشی‌گذاری عمومی بیان می‌دارد.

بر اساس نظریات **دکتر دانایی فرد**، مدیریت دولتی عبارت است از انجام مسائل عمومی به دلیل ارتقا منافع عمومی.

* خط مشی‌گذاری چیست؟

اقدامات و فعالیت‌های نسبتاً پایدار توسط دولت برای حل یک مشکل عمومی.

* دستاوردهای مدیریت دولتی:

همانطور که مطلعید مدیریت دولتی رکن رکن هر دولتی محسوب می‌گردد. مدیریت دولتی کلید پیشرفت یا عقب‌گرد هر جامعه تلقی می‌شود. مدیریت دولتی در صورتی که طبق سیاست‌های تدوین شده حرکت نمایند به

همان نسبت میزان اعتقاد عمومی افزایش خواهد یافت. اگر مدیریت دولتی بتواند بر اساس مشارکت و همراهی آحاد مردم وظایف خود را انجام می‌دهد و پاسخگوی عملکرد خویش باشد، قطعاً پشتوانه مردمی بیشتری را می‌آفریند. مدیریت دولتی دارای جوهره‌ای است بنام مردم محوری. مردم محوری تفاوت مدیریت دولتی و بخش خصوصی محسوب می‌شود.

* مردم محوری:

جبر و زور این کار را انجام نمی‌دهد.

۱- قانون اساسی: میثاق دولت و ملت می‌باشد. قانون اساسی محیط مدیریت دولتی را تعیین می‌کند. قانون اساسی بر اساس آراء، افکار آن ملت توسط برگزیدگان آن جامعه نوشته شده است، نتیجه اینکه مدیریت دولتی موظف است که طبق قانون اساسی اعمال قانون کند و به وی تکلیف می‌کند اجرا کند.

۲- منفعت عامه: مقدس‌ترین واژه‌ای است که در مدیریت دولتی وجود دارد منفعت عامه می‌باشد. منفعت عامه همچون راهنما و مربی است که مدیران دولتی را کنترل و هدایت می‌نمایند، اما در بخش خصوصی در نگاه اول انگیزه‌های فرد یا شخصی وجود دارد.

۳- بازار: نیروی بازار از دیدگاه علم اقتصاد بازار یا نیروی بازار تعیین کننده قیمت‌ها و کالاها و خدمات می‌باشد. در مدیریت بخش خصوصی عرضه و تقاضا، حد و مرز قیمت‌ها می‌باشد، اما مدیریت دولتی برای آنکه خدمات عمومی عرضه کند تابع چنین سیاست‌هایی نخواهد بود. برای رفاه همگانی محیط زیست دفاع ملی و آموزش پرورش مجبور است جدا از نیروهای بازار خدمات خود را معرفی کند. بودجه دولتی از طریق تصویب مجلس تعیین می‌گردد و منابع تامین کننده بودجه در ایران از فروش نفت و اخذ مالیات می‌باشد.

۴- حکمرانی: حق صدور دستور است. لذا در مدیریت دولتی عموم مردم از طریق انتخاب نمایندگان خود به مدیران دولتی دستور می‌دهند مطابق سیاست‌های ملی کارها را به پیش ببرند، اما در بخش خصوصی چنین قاعده‌ای وجود ندارد.

* مدیریت:

عبارت است از استفاده موثر و کارآمد از منابع سازمانی به اهداف از پیش تعیین شده با استفاده از برنامه ریزی، سازمان دهی و هماهنگی و فرماندهی و کنترل در پرتوی نظام اجتماعی مورد نظر. اما در تعریف اشاره شده چند نکته وجود دارد:

- مدیریت دولتی موظف است بهترین هدف را گزینش نماید و کمترین هزینه را به آن دست یابد. بعنوان مثال یک مولف، بهترین و مطلوب ترین کتاب را برای ترجمه بر می‌گزیند و روان ترین ترجمه را برای استفاده خوانندگان طراحی می‌کند.

- **اثر بخشی** عبارت است از انجام کارهای درست.

- **کار آیی** عبارت است از انجام دادن کارهای درست.

- مدیریت دولتی بدون استثنا باید به فرهنگ و عُرف جامعه توجه ویژه داشته باشد. زیرا عرف جامعه، افکار و نگرش‌ها، باورها و ذهنیت‌ها را می‌سازد. اگر مدیریت دولتی بر خلاف افکار عمومی یا بر خلاف رویه عمومی اقدام نماید، میزان محبوبیت و مقبولیتش را کاهش می‌دهد و دیواره اعتقاد آسیب پذیر خواهد شد.

- در مدیریت دولتی، تعیین هدف و برنامه ریزی و همچنین امکان بسیج منابع، ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد.

* مهارت های ۳ گانه مدیران:

- مدیریت ادراکی: کسانی که در بالاترین سطح مدیریت دولتی قرار دارند به این مهارت مجهزند. مهارت ادراکی عبارت است از توانایی تجزیه و تحلیل و تحویل شرایط. یعنی بتواند فرصت ها و تهدیدات و نقاط قوت و ضعف را کاملاً شناسایی نموده و درک کند. به همین خاطر این رده از مدیران، مسئولیت سنگینی دارند و باید پاسخگوی برنامه های خود باشند.

- مهارت انسانی: در این مهارت، مدیریت دولتی باید توانایی کار نمودن با سایر انسان ها را داشته باشد. به عبارت واضح تر، یک مدیر دولتی در ایجاد ارتباط با سایرین دچار مشکل نمی گردد.

- مهارت عملیاتی: برخی از مسئولیت ها جنبه فردی و عملیاتی دارد و اصطلاحاً بعنوان مدیر متخصص مطرح می گردد. این نوع مدیران لازم است برای بهبود عملکرد از فنون تکنیک ها و مهارت های آن شغل مطلع باشند.

* سطوح ۳ گانه مدیران:

الف) مدیران عالی رتبه (ب) مدیران میانی (ج) مدیران عملیاتی

الف: مدیران عالی رتبه از مهارت ادراکی برخوردارند و توانایی تجزیه و تحلیل مسائل را از منظر داخلی و خارجی دارا می باشند. در حوزه مدیریت دولتی، مدیران عالی رتبه به عالی ترین مقام اجرایی وزرا، استانداران و مدیران ارشد نظام اشاره دارد.

ب: مدیران میانی حلقه ارتباط و اتصال سطوح بالای سازمان به سطوح پایین می باشند. از منظر مدیریت دولتی، مدیران میانی حلقه های اتصال دهنده بوده که در قالب فرمانداران یا مدیران کل استان خود را نشان می دهند. مدیران میانی ۲ نقش عمده برعهده دارند:

۱- انتقال مصوبات مدیران عالی رتبه به سطوح پایین تر.

۲- انعکاس افکار مدیران عملیاتی به رأس مدیریت کشور.

ج: مدیران عملیاتی یا فنی در حوزه مدیریت دولتی، مدیران عملیاتی مجریان و کارگزاران نظام بوده و ارتباط مستقیم با شهروندان دارند. نظیر: بخشداران یا مجریان مصوبات کشور همچون: سازمان های بازرگانی یا ادارات توزیع برق، گاز و آب و مخابرات.

* مدیران عالی در حوزه مدیریت دولتی چکاری را انجام می دهند؟

بر اساس نظر دکتر دانایی فرد، سطوح مدیریت کشور ایران به ۳ بخش مجزا تقسیم می گردد: ۱- مدیریت سیاسی ۲- مدیریت دولتی ۳- مدیریت خصوصی

مدیریت سیاسی به تنظیم تصمیمات کلان و خط مشی گذاری و تدوین آئین نامه ها می پردازد.

مدیریت دولتی حالت اجرایی دارد و هر آنچه که ابلاغ شده است متناسب با توانمندی خود اجرا می کند.

مدیریت خصوصی بنا به صلاحدید مدیریت دولتی به عرصه کارگزاری وارد می شود.

نکته قابل توجه آن است که اگر مطلوبترین و بهترین قوانین مصوب گردد، اما در حوزه اجرا ناقص و آبر بماند هیچگاه چنین آئین نامه ای ارزش و اعتباری ندارد. اما در مقابل مشاهده شده است تصمیماتی که به ظاهر فاقد محتوای خوب بودند ولی با مدیریت دولتی شایسته ای توانسته اند در عرصه جامعه یک شگفتی بیافرینند. مدیریت دولتی از لحاظ اهمیت آنقدر حوزه پر قدرتی است که نظام سیاسی یا مدیریت سیاسی را تحت تأثیر

قرار می‌دهد. خلاصه آنکه مدیران عالی رتبه در هر کشوری در دو حوزه فعالیت دارند: ۱- بعنوان مدیریت سیاسی جامعه ۲- مدیریت دولتی جامعه

* وظایف مدیران post corb

از زاویه دید مدیریت دولتی، مدیران ۷ وظیفه بر عهده دارند که در هر سطح سازمانی لاجرم موظف به اجرای آن می‌باشند.

- ۱- برنامه ریزی: عبارت است از تعیین هدف و راهبردهای تحقق آن.
- ۲- سازماندهی: عبارت است از تنظیم یک ساختار مناسب، چابک و منعطف در راستای رسیدن به اهداف.
- ۳- کارمندیابی: انتخاب کارکنان شایسته و لایق.
- ۴- هدایت گری: هدایت اعضای سازمان به سمت مقاصد سازمانی با استفاده از ارتباطات، انگیزش و رهبری.
- ۵- هماهنگی: عبارت است از ایجاد اتحاد و همکاری میان منابع سازمانی.
- ۶- گزارش نویسی: تهیه گزارش عملکرد و ارائه آن به مقامات مسئول.
- ۷- بودجه بندی: عبارت است از تخصیص منابع مالی به طرح‌ها و پروژه‌ها. از سوی دیگر بودجه ابزار کنترلی است که مدیران دولتی می‌توانند از میزان پیشرفت و انجام کارها مطلع شوند. بودجه نقش بسزایی در حوزه مدیریت دولتی دارد و بعنوان یک قوه نظارت و پایش استفاده می‌گردد.

* نقش‌های ۱۰ گانه، ۸ گانه و ۴ گانه مدیران:

- نقش‌های ۱۰ گانه مینزبرگ:

- ۱- تشریفات ۲- رهبری ۳- رابط ۴- دریافت کننده اطلاعات ۵- نشردهنده اطلاعات ۶- سخنگو
- ۷- اختصاص دهنده منابع ۸- کارآفرین ۹- مذاکره کننده ۱۰- آشوب زدایی

- نقش‌های ۴ گانه آدیزس:

- ۱- تولید کننده ۲- اجرایی ۳- ابداعی ۴- اجتماعی (هماهنگ کننده، انسانی، مدیریتی)

- نقش‌های ۸ گانه کوئین و همکاران:

- ۱- روحیه آفرین ۲- تسهیل کننده روابط گروهی ۳- مذاکره کننده ۴- خلاق ۵- برنامه ریز ۶- جذب کننده منابع ۷- بهبود روابط انسانی ۸- اجرای مقررات

* لایه‌های دولت:

لایه ۱: دولت ژاندارم لایه ۲: دولت حافظ منافع عمومی لایه ۳: دولت کارفرما لایه ۴: دولت رفاه عمومی

* پیدایش دولت مدرن:

- تقابل کاتولیک و پروتستان - حاکمیت ملی بجای حاکمیت کلیسا

* تکامل دولت:

- رشد آگاهی - حرکت از ساده بودن به طرف پیچیدگی

* تفاوت مدیریت دولتی با مدیریت خصوصی:

۱- تشابه در وظایف

۲- تفاوت در زمینه

*** توضیحات نقش های ۱۰ گانه مینزبرگ:**

- ۱- تشریفات: عبارت است از حضور و شرکت در مجالس و محافل بین المللی.
- ۲- رهبری: عبارت است از هدایت آحاد مردم به سمت آرمان های حکومتی.
- ۳- رابط: ایجاد ارتباط با کشورهای خارج به منظور صیانت از کشور.
- ۴- دریافت کننده اطلاعات: کسب اخبار و اطلاعات از داخل کشور و خارج از آن.
- ۵- نشردهنده اطلاعات: افزایش آگاهی های دولت.
- ۶- سخنگو: انتشار عملکرد دولت در برابر افکار عمومی.
- ۷- اختصاص دهنده منابع: تنظیم بودجه ملی در قالب بودجه سالانه و ارائه به مجلس شورای اسلامی.
- ۸- کارآفرین: ایجاد اشتغال برای متقاضیان و رشد صنعت و بالندگی اقتصادی.
- ۹- مذاکره کننده: برقراری یک گفت‌وگو دیپلماتی موفق در جهت حفاظت از آرمان های آن کشور.
- ۱۰- آشوب زدایی: برقراری امنیت و اقتدار درون کشوری و تولید نظم و انضباط.

*** نقش های ۴ گانه آدیسی:**

- ۱- تولیدی: رونق کسب و کار و پویایی اقتصاد.
- ۲- اجرایی: بوجود آوردن سازمان های نوین اداری بمنظور اداره و ارائه خدمات و تولیدات.
- ۳- ابداعی: عبارت است از ایجاد خلاقیت و نوآوری و انجام تغییرات متوالی.
- ۴- ترکیبی: عبارت است از ایجاد هماهنگی در قسمت های گوناگون جامعه.

***** دولت**

مقدمه: اگر سیر تکاملی زندگی بشریت را نگاهی بیان‌دازیم ملاحظه می‌شود در کلیه اعصار و دوران ها اشخاصی در قالب کارگردانان آن منطقه یا جامعه ایفای نقش می‌نمودند. کسانی که اداره امور را در دست داشتند بعنوان حاکم یا فرمانروا شناخته می‌شدند و در شرایط فعلی در قاموس ادبیات سیاسی دولت لقب گرفتند. انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و برای آنکه در برقراری ارتباط با دیگران موفق شود لازم است از یکسری هنجارها و رفتارها تبعیت نماید که در اینجا دولت چنین نقشی را برعهده دارد.

*** تعریف واژه دولت:**

واژه دولت به معنای پابرجا، استوار، ثابت و پایدار تعریف می‌گردد. دولت یعنی پدیده ای است که با ثابت بودن و با قوام بودن همراه می‌باشد. منظور آنکه دولت نهادی است که ثبات و آرامش را بر فضای جامعه حاکم می‌نماید.

*** تعاریف دولت:**

از نظر نظریه پردازان، دولت از ۳ دیدگاه قابل بررسی و تحلیل می‌باشد که هرکدام در جایگاه خود حائز اهمیت بوده و ابعادی از منزلت دولت را ترسیم می‌نمایند.

الف) دولت مجموعه ای مستقل بوده و دارای کلیتی متمایز است. چنین نگرشی به حوزه حقوق ملی و بین المللی اشاره دارد، بعنوان مثال: دولت ایران با دولت استرالیا قراردادی را منعقد می‌نماید که در این خصوص دولت را بعنوان پدیده ای کلی، جامع و یگانه مطرح می‌سازد.

ب) دولت به حاکمان و فرمانروایان اشاره دارد و جامعه به ۲ گروه کلی تقسیم می‌شود: فرمانروایان و فرمانبران.

ج) دولت بعنوان یک لایه سیاسی در قالب قوه مجریه شناخته می‌گردد. هیئت دولت، هیئت وزیران یا هیئت حاکمه از چنین تفکری نشأت می‌گیرد و نهادهای سیاسی و سازمان‌های اجرایی را تحت پوشش قرار می‌دهد. در نهایت آن که دولت عبارت است از نهادها و سازمان‌هایی که با استفاده از جایگاه قانونی بر گروهی از مردم اعمال قدرت می‌نمایند.

* خاستگاه (منشأ) دولت

دولت از ۴ زاویه مورد مطالعه قرار گرفته و خاستگاه آن بیان می‌گردد، منظور از خاستگاه تفکر و ذهنیات بنیان‌گذاران دولت می‌باشد.

الف) خاستگاه الهی یا فطری: ابوعلی سینا اعتقاد دارد انسان‌ها زمانی می‌توانند در کنار یکدیگر بصورت شایسته و نیکویی زندگی کنند که آن حیات با عدالت همراه باشد. اجرای عدالت نیز فقط بوسیله خداوند حکیم و پیامبران و فرستادگان تعمیم می‌گردد. بشر نمی‌تواند به تنهایی عدالت را اجرا نماید و برای آنکه در جامعه چنین مهمی اجرا شود لازم است افراد منتخب از سوی خداوند زمام امور را بر عهده گیرند.

ب) خاستگاه جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسان بیان می‌دارند روند تشکیل جوامع بر اساس نظریه‌های غلبه و تکامل، همیشه رو به رشد بوده است. ازدیاد جمعیت و گسترش شهرنشینی از پیامدهای چنین نگرشی حاصل می‌گردد. نظریه تکامل می‌گوید: با جمع شدن خانواده‌ها یک گروه بوجود می‌آید. با تجمیع گروه‌ها شاهد شکل‌گیری طایفه و قبیله می‌باشیم و با اجتماع قبایل، جامعه ظهور می‌کند که در نتیجه وجود یک دولت برای انسجام‌بخشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در نظریه غلبه گروه‌های کوچک و ضعیف در دل گروه‌های بزرگ و قوی هضم می‌شوند و از این‌جا است که اجتماع شکل می‌گیرد و برای آنکه در جامعه همه مردم از زندگی مساوی برخوردار باشند وجود دولت لازم است.

ج) خاستگاه اقتصادی: برخی از سیاست‌مداران عنوان می‌کنند دولت ساخته و پرداخته اغنیاء، اشراف و ثروتمندان است. دولت صرفاً ابزاری است در دست طبقه مرفح جامعه که با استفاده از نهادهایی همچون شهربانی، ژاندارمری، دادگستری و ارتش از منافع چنین طبقه‌ای در مقابل فقیران و سایر مردم محافظت می‌نماید.

د) خاستگاه حقوقی یا قانونی: انسان‌ها برای دفاع از خود در مقابل حوادث و اتفاقات ناگوار ناگزیرند که از سایر انسان‌ها کمک بگیرند و هیچ فردی به صورت انفرادی نمی‌تواند از فجایع صیانت نماید و در این‌جا است که دولت بنا به قاعده ضرورت اجتماعی و تعهد حقوقی متولد خواهد شد. یعنی دولت خود را بعنوان یک ضرورت اجتماعی موظف می‌داند از منابع انسانی آن کشور محافظت نماید و در مقابل نیز شهروندان تعهد حقوقی و قانونی دارند که از دستورات و فرامین دولت تبعیت نمایند.

* وظایف اولیه دولت:

اگر به روند پیدایش حکومت و دولت توجهی شود ملاحظه می‌نماییم که برای استقرار و استوار بودن هر دولتی ۳ وظیفه عمده وجود دارد که اگر در عصر فراصنعتی نیز یکی از این مولفه‌ها کنار گذاشته شود، دولت دچار فروپاشی خواهد شد. برای آنکه دولت بتواند برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را با ثبات و آرامش خاطر انجام دهد ۳ وظیفه و رسالت عمده و بزرگ بر عهده دارد که عبارتند از: ایجاد امنیت، برقراری نظم و تولید عدالت.

– **ایجاد امنیت**: بر اساس دیدگاه جامعه‌شناسی، دولت موظف است برای شهروندان حصار امنیت را ایجاد نماید و هر شخصی در پناه چنین حکومتی احساس امنیت نماید و از گزند آسیب‌های جسمانی و روانی در امان باشد.

امنیت حاصل اقتدار آن دولت محسوب می‌گردد و در صورت فقدان امنیت لازم، جامعه از جنگ و خونریزی و ستیز مملو خواهد شد.

- **برقرای نظم:** پس از آنکه در جامعه امنیت کامل حکم فرما شد به منظور جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی وجود نظم و انضباط یک ضرورت است که نظم بواسطه قانون و در پرتوی قانون شکل خواهد گرفت.

- **تولید عدالت:** دولت یک منشأ الهی یا فطری دارد که در آن دیدگاه اجرای عدالت علت و دلیل شکل‌گیری دولت می‌باشد. دولتمردان برای آنکه جامعه را به سمت توسعه و تعالی هدایت نمایند لازم است در جامعه، عدالت در کلیه ابعاد اجرا گردد. عدالت زیربنای توسعه هر جامعه‌ای تلقی می‌گردد و افراد جامعه با انگیزه مضاعفی از دولتمردان اطاعت و پیروی خواهند نمود. عدالت بستر ساز شکوفایی استعدادها و توانمندی شهروندان می‌باشد. عدالت باعث خواهد شد که هر انسانی در درون حکومت بتواند از حداقل امکانات و موهبت‌های طبیعی بهره‌مند گردد.

***وظایف تکامل یافته دولت:**

به تناسب آنکه جمعیت شهرنشینی گسترش می‌یابد و ارتباطات توسعه پیدا نموده است به همان میزان وظایف دولت نیز قابلیت افزایش را دارد. علاوه بر ایجاد نظم، امنیت و عدالت، دولت رسالت‌های دیگری نیز برعهده دارد که این رسالت‌ها باعث تمایز جایگاه دولت نسبت به سایر نهادها و شهروندان خواهد شد که وظایف تکامل یافته دولت را در ۳ بخش مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بخش ۱- دولتمردان یا دولت یا مدیریت دولتی دو رسالت کلان برعهده دارند: ثبات - توسعه ثبات: به این معنا است که جامعه را از آسیب‌ها و چالش‌ها در امان نگه می‌دارد. ثبات به حفظ شرایط اولیه اشاره دارد، نظیر: حفظ و کنترل سیستم.

توسعه: برای آنکه جامعه مسیر تکامل را پیماید و از یکنواختی و روزمرگی نجات پیدا کند لازم است در خصوص توسعه یافتگی نیز برنامه ریزی نماید.

بخش ۲- در کنار وظایف اولیه اشاره شده از منظر دیگری دولت یکسری ویژگی‌ها و کارکردهایی را متحمل خواهد شد، نظیر: حفظ محیط زیست، مبارزه با بیکاری و ایجاد اشتغال، کنترل نمودن نوسانات اقتصادی، حمایت از بازار در راستای ترویج عدالت اقتصادی. حفاظت از منابع طبیعی، مبارزه با بیماری‌های بهداشتی، چاپ اسکناس و انتشار پول، حق اعمال قدرت، تدوین قوانین و مقررات، توسعه سیاسی، حمایت از مشارکت مردمی، ایجاد ارتباط با سایر کشورها، اخذ مالیات و عوارض، تنظیم بودجه ملی، ترویج فرهنگ آن کشور، وفاداری به آرمان‌های حکومتی.

بخش ۳- دولت از منظر و زاویه دیگر علاوه بر وظایف مقدماتی یکسری اقدامات دیگری را بایستی انجام دهد. وظایف دولت به مرور زمان از سادگی به پیچیدگی مبدل شده است. بطوری که در کلیه ابعاد حکومتی بایستی پاسخگو باشد و حساس‌ترین تصمیمات و با اهمیت‌ترین سیاست‌های کشور برعهده دولتمردان است. حتی از سویی دیگر برخی از اوقات ساده‌ترین کارها را بنا به ضرورت برعهده می‌گیرد. دولت به مرور زمان آگاهی‌هایش نسبت به قلمروی فعالیت افزایش یافته و بنا بر سوابق تاریخی اثبات شده است که تفاوت توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی به تفکرات آن دولت وابسته می‌باشد. ضمناً دولت، رسالت مهم دیگری را ایفا می‌نماید، توازن میان حاکمیت و آزادی فرد. اگر حاکمیت بیش از حد متعارف و قانونی باشد به استبداد و دیکتاتوری کشانده

می‌شود و اگر آزادی فردی نیز بیش از هنجارهای رایج بها داده شود به هرج و مرج و بی بندوباری مبدل می‌گردد. نتیجه آن که یک دولت خوب موظف است میان حاکمیت و آزادی های فردی یک توازن عادلانه و منصفانه و معقولانه و مدبرانه ایجاد نماید.

*وظایف درون مرزی و برون مرزی دولت:

دولت از نگاه کلان و عمده ۲ وظیفه درون مرزی و برون مرزی دارد:

الف) درون مرزی: هر دولتی برای آنکه امور جامعه و حکومت را با خردورزی ساماندهی نماید از ۳ شاخه تشکیل شده است. اولین شاخه به نگارش، تدوین و تنظیم مقررات و آیین نامه ها و قوانین می‌پردازد که به قوه مقننه یا تقنینی نامگذاری می‌گردد. شاخه دوم که به شاخه اجرایی لقب گرفته است. هر آنچه را که در قالب قانون دریافت می‌کند متعهد به اجرای آن می‌باشد که بنام قوه مجریه نامگذاری می‌شود. قوه مجریه در مقابل قوه مقننه پاسخگو می‌باشد. شاخه سوم که به کارهای دادرسی می‌پردازد و چنانچه دولت یا مردم از مقررات تخطی نمایند، ضمن تذکر از ابزار تنبیه و جریمه استفاده می‌نماید که به قوه قضائیه شهرت دارد. دولت به مجموعه ای از نهادها گفته می‌شود که بر سرزمین خاصی و اجتماع ویژه ای اعمال قدرت می‌نماید. دولت یک خصلت متمایزی دارد که همان قدرت مشروع می‌باشد، که سایر افراد جامعه از چنین اهرمی بی بهره می‌باشند.

ب) برون مرزی: دولت برای آنکه معنا و مفهوم پیدا کند، بدون شک از یک ظرفی بنام سرزمین برخوردار است. دولت در یک نگاه کلی از ۴ جزء مهم برخوردار می‌باشد: مردم - سرزمین - حکومت - حاکمیت

- **مردم:** بر اساس روند تکاملی زندگی بشریت انسان ها در ایام گذشته بصورت مجزا و دور از هم زندگی می‌نمودند، اما با پیدایش عصر صنعتی، ارتباطات گسترده شد و توده های جدا از هم به یکدیگر پیوند خوردند و جمعیت گسترده ای بوجود آمد. برای آنکه یک نظم و انضباطی در میان گروه ها حاکم باشد، دولت قالب خود را پیدا نمود.

- **سرزمین:** دولت ها و جمعیت ها در قطعه ای از زمین کنار یکدیگر زندگی می‌نمایند که به آن سرزمین یا وطن گفته می‌شود. رابطه انسان ها با سرزمین خود یک رابطه عاطفی و معناداری است که در ادبیات سیاسی از آن بعنوان هم وطن بودن یا احساسات ملی یاد می‌گردد. زمین عبارت است از قطعه ای که از لحاظ افقی، مردم در آن ساکن هستند و از لحاظ عمودی فضاهای آسمانی و دریایی را شامل می‌گردد و در برخی از نواحی در کنار اقیانوس ها یا دریاها پهلو می‌گیرد.

- **حکومت:** عبارت است از کلیه نهادها، سازمان ها و ارگان ها که ابزاری برای انجام دادن کارهای دولت می‌باشند. حکومت تجلی‌گاه اراده آن ملت است.

- **حاکمیت:** حاکمیت همراه با واژه قدرت معنا و مفهوم پیدا می‌کند، حاکمیت، قدرت قانونی و به حقی است که دولتمردان در سایه سار آن می‌توانند به جامعه نظم و انضباط خاصی ببخشند.

*نقش های ۴ گانه دولت:

۱- نقش تخصیصی ۲- نقش تثبیتی ۳- نقش توزیعی ۴- نقش قانونی

- **تخصیصی:** عبارت است از فرآیند اختصاص دادن منابع مالی و غیرمالی به عرضه خدمات و تولید محصولات. در نقش تخصیصی، دولت فرآیند گردش مالی کشور را تحت نظر و تحت اختیار خود دارد و بنا به مصالح و منافع

عمومی درآمدها را به برنامه‌ها اختصاص می‌دهد. از سوی دیگر شیوه‌های کسب درآمد و تنظیم بودجه در این نقش مستتر می‌باشد.

- تثبیتی: دولت برای آنکه بتواند شریان اقتصادی کشور را کنترل نماید لازم است در سیاست‌های مالی و پولی بصورت انبساط‌گونه یا منقبض رفتار نماید که چنین رویکردی بعنوان نقش تثبیتی شناخته می‌شود. در نقش تثبیتی، دولت شرایطی را فراهم می‌سازد که میزان تورم، رکود و بیکاری کاهش یابد. دولت به منظور حفظ اقتدار خود و دوام حکومت چنین وظیفه مهمی را برعهده دارد.

- توزیعی: عبارت است از توزیع عادلانه و منصفانه درآمدها میان اقشار آسیب‌پذیر و اعضای جامعه که بتواند زمینه‌ساز رضایت‌مندی و رفاه شهروندان گردد. از سوی دیگر دولت با چنین نقشی می‌تواند سیاست‌هایی را تدوین نماید که برای عده‌ای ارزش افزوده بیشتری نسبت به سایرین داشته باشد.

- قانونی: قانون میثاق‌نامه‌ای است میان دولت و ملت. دولت با مصوب نمودن قوانین مفید، زمینه توسعه و رشد کشور را فراهم می‌نماید. یکی از شاخص‌هایی که می‌توان به عملکرد مناسب و ارزنده دولت پی برد وجود مقررات، سیاست‌ها و قوانین منعطف و خوب می‌باشد. قوانینی که مشکلات جامعه را مرتفع سازد.

*** لایه‌های دولت:**

همانطور که گفته شد، دولت دو رسالت عمده برعهده دارد که عبارتند از: ثبات و توسعه که برای آنکه اهداف محقق شوند لازم است دولت‌ها، وظایف خاصی را برعهده گیرند که در چهارچوب لایه‌های دولت تشکیل می‌شود. لایه‌های دولت مسیر تکاملی را نشان می‌دهد که از برقراری نظم شروع شده و تا اجرای عدالت اجتماعی ادامه دارد.

لایه اول) دولت ژاندارم: دولت در این محدوده یا در این بخش در راستای برقراری امنیت، تامین نظام و ایجاد انضباط اجتماعی قدم بر می‌دارد. دولت ژاندارم اولین لایه‌ی دولتمردان محسوب می‌گردد که حفاظت از کیان مملکت و امنیت جانی شهروندان را تامین می‌نماید.

لایه دوم) دولت حافظ منافع عمومی: در این لایه دولتمردان به توسعه راه‌های مواصلاتی پرداخته و در زمینه تولید کالاها و خدمات عمومی قدم بر می‌دارد. شکل‌گیری راه آهن، بوجود آمدن مسیرهای تردد و برپایی شبکه‌های اقتصادی بزرگ از عملکرد چنین دولتی است.

لایه سوم) دولت کارفرما: در این بخش، دولت علاوه بر ارائه خدمات عمومی، به بخش خصوصی نیز کمک‌هایی را ارائه می‌نماید، نظیر: شکل‌گیری وزارت صنایع و معادن. دولت کارفرما گاهی از اوقات از توان بخش خصوصی برای سیاست‌های کشور و اجرای آنها در قالب خصوصی‌سازی یا برون‌سپاری بهره می‌جوید.

لایه چهارم) دولت رفاه عمومی: این دولت که بعنوان آخرین دستاوردهای تقسیم‌بندی لایه‌های دولت بیان می‌گردد چنین دولتی اجرای عدالت اجتماعی را سرلوحه کارها قرار داده و به اقشار آسیب‌پذیر، بازنشستگان و مستمری‌بگیران خدماتی را در حد توان و امکانات جامعه ارائه می‌نماید.

نتیجه‌گیری: هدف اصلی از طرح لایه‌های دولت آن است که روند تکاملی را توضیح دهد. در ابتدا دولت در حوزه امنیت و دفاع ورود پیدا نمود، آنگاه ارائه خدمات عمومی را به شهروندان مد نظر قرار داد، سعی نمود با ایجاد نظام اداری از حقوق شهروندان در برابر قانون محافظت نماید. در مرحله سوم دولت کارفرما شکل گرفت. بطوری

که برخی از کارها را در راستای کیفیت بخشی به ارائه خدمات به بخش خصوصی واگذار نمود و در مرحله چهارم، توسعه عدالت اجتماعی و پرداخت حقوق به اقشار آسیب پذیر را سرلوحه کارهای خود قرار داد.

***پیدایش دولت مدرن:**

در ابتدا دولت به برقراری نظم، ایجاد امتیت و گسترش عدالت توجه نمود، اما با شروع عصر صنعتی وظایف دولت متکامل شد. در قاره اروپا دو مکتب کاتولیک و پروتستان وجود داشت. در ابتدا مکتب کاتولیک با محوریت کلیسای روم عهده دار حکومت داری و مدیریت جامعه بود. کلیسا، کشیش، اُسقف و پاپ مسئولیت کارها را برعهده داشتند. تفکرات کلیسای روم بر اساس فئودالیسم و طبقات موروثی بنا شده بود بطوری که هر کشیشی جانشین خود را در حوزه هدایت جامعه انتخاب می نمود. جامعه بر اساس طایفه و قبیله های تنظیم شده از سوی کلیسا اداره می گردید، اما مکتب پروتستان نقش و جایگاه کلیسای روم را کم رنگ نمود و اتفاقاتی میان مکاتب کاتولیک و پروتستان رخ داد که به قراردادی تحت عنوان «وستفالی» منجر گردید. طبق این قرارداد جنگ های ۳۰ ساله کاتولیک و پروتستان خاتمه پیدا کرد. مکتب کاتولیک در کشورهای ایتالیا و اسپانیا بیشترین طرفدار را دارد اما مکتب پروتستان در کشورهای آلمان، هلند، انگلیس و فرانسه بیشترین طرفدار را به خود اختصاص می دهد. از دستاوردهای چنین قراردادی بوجود آمدن دولت مدرن می باشد که دولت مدرن از ویژگی های زیر برخوردار است:

- ۱- حاکمیت کلیسا در تقسیم بندی جامعه از بین رفت.
- ۲- دولت و ملت بعنوان هدایت کننده امور حکومتی انتخاب شدند.
- ۳- حاکمیت فئودالی جای خود را به حاکمیت ملی واگذار نمود.
- ۴- به جهت کم رنگ شدن نقش کلیسا، حکومت جنبه غیر دینی یا سکولار پیدا نمود. بطوری که دین داری از عرصه حکومت داری جدا گشت.

نتیجه گیری: یکی از دلایل پیشرفت و توسعه یافتگی کشور آلمان بر کشور ایتالیا همان غلبه مکتب پروتستان بر مکتب کاتولیک می باشد و نقش کلیسای روم و تفکرات ملوک الطوائفی جای خود را به حاکمیت دولت و ملت داد و ارزش های ملی بود که چهارچوب حاکمیت را تغییر می نمود.

***تکامل دولت:**

حفظ شرایط موجود و عدم عقب گرد در دولت های مدرن اولین وظیفه محسوب می گردد. در گام های دیگر توسعه و تکامل و پیشرفت، افق آینده آن دولت را رقم می زند. بعنوان مثال نظام جمهوری اسلامی ایران در بدو تولد از یک نظام به نظام دیگر تبدیل شد، آرامش و امنیت داخلی و اقتدار خارجی فراهم شد و در راستای برنامه های توسعه ای خود در جهت پیدایش دولت اسلامی و تمدن اسلامی در سطح بین المللی گام بر می دارد.

***تفاوت مدیریت دولتی با مدیریت خصوصی:**

در خصوص تفاوت و تشابه این دو مدیریت چند دیدگاه کلی وجود دارد:

- ۱- مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی آنقدر شبیه یکدیگر هستند که صرفا در کلمات دولتی و خصوصی تفاوت ظاهری مشاهده می گردد. به عبارت دیگر هر آنچه که در مدیریت دولتی است، در مدیریت خصوصی نیز چنین کارکردی را شاهد می باشیم.
- ۲- مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی در دو قلمروی مجزا فعالیت می کنند که هیچگونه وجه مشترکی ندارند.

۳- مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی در کلمه اول اشتراکاتی دارند، اما در واژه دوم آنها که منظور «دولتی و خصوصی» است، وارد یک حوزه ای از فعالیت ها می شوند که تفاوت معناداری پیدا می کنند که بر این اساس وجه تمایز این دو مدیریت را توضیح می دهیم.

– در مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی هر دو مدیریت در انجام کارها اثر بخشی، کارآیی و صرفه جویی را مدنظر قرار می دهند. به عبارت واضح تر، مدیریت خصوصی از مبانی مدیریت بازرگانی پیروی می کند که همین اصول در مدیریت دولتی مدنظر قرار دارد.

– مدیریت خصوصی در راستای افزایش سرمایه، رشد ثروت و بالا بردن ارزش افزوده می باشد، در حالی که در مدیریت دولتی پاسخگویی به مردم، برابری و حرمت حقوق شهروندان مدنظر است.

– مهم ترین تفاوت این دو مدیریت در منفعت عامه یا همان مردم محوری قرار دارد. مدیریت خصوصی صرفاً برای ارزش آفرینی اقتصادی بوجود آمده است که اگر غیر از این بود فاقد اعتبار معنایی می شد. اما مدیریت دولتی برای رضایت شهروندان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد و هر زمانی که میان صرفه جویی و عدالت تعارضی ایجاد شود، اجرای عدالت اولویت نخست می باشد.

– همانطور که قبلاً گفته شد، مدیریت دولتی خوب چهارچوب اقدامات مدیریت خصوصی را شکل می دهد و مدیریت دولتی می تواند بر مبنای تفکرات دولت کارفرما در برخی از حوزه های اجرایی از ظرفیت و پتانسیل بخش خصوصی یا مدیریت خصوصی استفاده نماید. علاوه بر این برای بهبود فرآیندهای انجام کاری تئوری های مدیریت خصوصی نیز می تواند در بخش مدیریت دولتی بکارگیری شود.

***دخالت دولت در اقتصاد:**

در این زمینه ۳ تفکر اقتصادی را مطالعه می نمایم.

اولین تفکر که از اندیشه های آدام اسمیت نشأت گرفته است. آدام اسمیت به حداقل حضور دولت در اقتصاد اعتقاد داشت و بیان می داشت که سیاست های اقتصادی را بازار تعیین می کند.

دومین تفکر بر اساس اندیشه های مارکس، مکتبی در حوزه اقتصاد بعنوان مکتب سوسیالیستی بوجود آمد و بیان می داشت دولت باید حداکثر دخالت را در تمامی کارها از جمله اقتصاد داشته باشد. چنین تفکری کمترین نقش را برای بخش خصوصی قائل بود.

سومین تفکر، بخاطر بوجود آمدن برخی از بحران های اقتصادی و ناتوانی دولت در پاسخگو بودن به آنها و افزایش درخواست های مردم حول محور رفاه مجدداً بازگشت و مراجعه ای به تفکرات سرمایه داری بوجود آمد که این اندیشه جدید را نئولیبرالیسم قلم داد می کنند. و آغازی بود برای خارج شدن از تفکرات اقتصادی کارل مارکس که همان تفکر سوسیالیستی می باشد. اندیشه های نئولیبرالیسم حاکی از این است که دولت باید حداقل دخالت در بازار را داشته باشد و اقتصاد با حمایت مردم و بخش خصوصی اداره گردد و دولت صرفاً چهارچوب آنرا تعیین نماید.

***منطق و دلایل دخالت دولت در بازار و اقتصاد:**

همانطوری که بیان شد، دولتمردان با نگاهی حداقلی وارد حوزه ای اقتصاد می شوند که مهمترین دلایل ورود دولت در اقتصاد یا بازار عبارتند از: نارسایی بازار – انحصار طبیعی – کالاهای عمومی – آثار خارجی – هزینه های سرمایه ای بالا و برابری، که به تشریح آنها می پردازیم.

۱- نارسایی بازار: فرآیند عدالت اجتماعی حکم می نماید که در بازار در هنگام یا در لحظه ردوبدل نمودن کالاها و محصولات به تعداد کافی فروشنده و خریدار وجود داشته باشد. به عبارت واضح تر عرضه و تقاضا با یکدیگر برابر نبوده و برای رفع چنین نارسایی و مشکلی، دولت به حوزه اقتصاد ورود پیدا می نماید.

۲- انحصار طبیعی: انسان ها بر اساس سرشت و ذات خود به دنبال کسب منفعت بیشتر می باشند. اگر دولت جریان های اقتصادی را نظارت نکند گاهی اوقات دست های نامرئی برای افزایش سود دنبال احتکار و انحصار می باشند که با حضور دولت جریان مدیریت می گردد.

۳- کالاهای عمومی: تولید کالاهای عمومی برای بخش خصوصی همیشه سودآور نخواهد بود و حتی پاره ای از اوقات هزینه دریافت شده از شهروندان در مقایسه با قیمت واقعی آن کالا به مراتب کمتر خواهد بود که در این جا است دولت بنا بر رسالتش به این مهم مبادرت می ورزد.

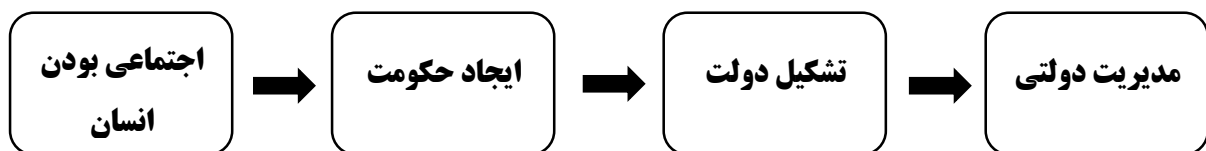
۴- آثار خارجی: بخش خصوصی امکان دارد در تولید محصولات خود به محیط زیست و سایر منابع طبیعی نظیر دریا صدمه ای وارد نماید که جزء آثار خارجی فعالیت های بخش خصوصی است که در این لحظه مدیریت دولتی در راستای حقوق آینده شهروندان نسبت به تخطی نمودن از حریم قانون وارد عمل می شود.

۵- هزینه های سرمایه ای بالا: ساختن بنادر کشتی رانی و راه آهن و تولید انرژی اتمی و هسته ای از لحاظ هزینه و منفعت برای مدیریت خصوصی هیچ توجیه اقتصادی ندارد. به همین خاطر دولت در موارد اشاره شده که سرمایه های هنگفتی را به خود اختصاص می دهد، به دلیل بهره مندی از منابع کثیر ملی در چنین صنایعی شروع به فعالیت می نماید.

۶- برابری: در راستای مبارزه با فقر و بیکاری دولت لازم است برای افراد کم درآمد یا اقشار آسیب پذیر بودجه هایی تخصیص دهد که در قالب برابری یا عدالت مفهوم می یابد و به همین دلیل دولت به چنین کارهایی بر پایه مقاصد و آرمان های حکومتی می پردازد.

*فلسفه پیدایش مدیریت دولتی:

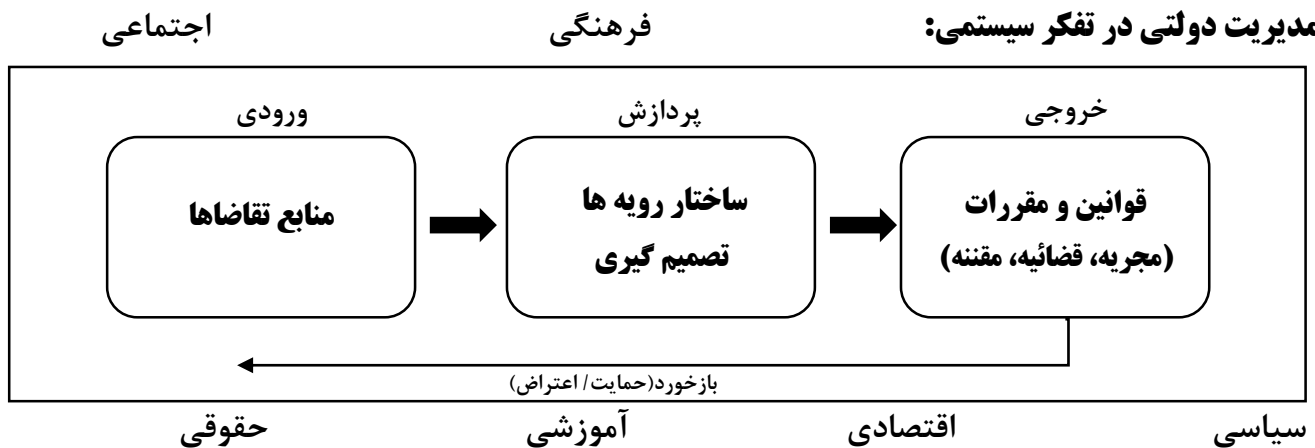
انسان ها فطرتاً موجوداتی اجتماعی می باشند. اجتماعی بودن موجب توسعه روابط با سایرین می گردد. همانطور که در دیدگاه جامعه شناسی اشاره گردید، روابط و اجتماعات آنقدر به مرور زمان گسترش می یابد که برای انسجام بخشی و ساماندهی وجود یک حکومت ضرورت پیدا می نماید. پس از آنکه حکومت متولد شد، دولت نیز بعنوان بالاترین رکن حکومتی خلق خواهد شد. به همین منوال، دولت در راستای ایجاد برنامه های خود به یک مدیریت دولتی احتیاج مبرم پیدا می نماید.



با توجه به آنکه در قبل، مدیریت دولتی را بصورت کامل تعریف نمودیم، اما از لحاظ حساسیت موضوع یکبار دیگر بصورت مختصر توصیف می گردد. مدیریت دولتی از نظر دامنه فعالیت، گاهی اوقات آنقدر گسترده است که کل ملت را تحت تاثیر قرار می دهد، نظیر: رییس جمهور، هیئت دولت. اما پاره ای از اوقات آنقدر محدود و جزئی است که فقط تعداد کوچکی از توده مردم را شامل می گردد. نظیر: نظافت یک خیابان. مدیریت دولتی

همکاری ۳ قوه را می طلبد. مدیریت دولتی در برگیرنده برنامه های دولت می باشد. مدیریت دولتی اجرای خط مشی عمومی را بر عهده دارد.

***مدیریت دولتی در تفکر سیستمی:**



همانطور که در شکل ترسیم شده مشاهده می نمایید، مدیریت دولتی باید در حوزه فعالیت خود بصورت سیستماتیک بیاندیشد و همه جوانب را مد نظر قرار دهد. سیستمی اندیشیدن یک مهارتی است که برای مدیران دولتی اولویت آن چندین برابر می شود. اگر یک مدیر دولتی به فلسفه تفکر سیستمی پی ببرد، طبیعتاً در لحظه تصمیم گیری و اجرا، همه زوایای پنهان و آشکار را مدنظر قرار خواهد داد. تفکر سیستمی بوجود آورنده عدالت خواهی بود. تفکر سیستمی تلاش می کند رضایت شهروندان را با حداکثر رضایت مندی جلب نماید. همانطور که بیان شد، تفکر سیستمی دارای ۵ جزء می باشد: ورودی - پردازش - خروجی - بازخورد و محیط. از منظر مدیریت دولتی، ورودی، شامل منابع و تقاضاها می گردد.

- **منابع چیست؟** همان بودجه ای است که در اختیار مدیریت دولتی قرار دارد.

- **تقاضاها کدامند؟** درخواست های مردمی است. یا نیازهای ملت است که مدیریت دولتی مستقیم یا غیرمستقیم آن را درک می نماید.

پس از آنکه مدیریت دولتی، تقاضاهای شهروندان را دریافت نمود، وارد مرحله پردازش خواهد شد. در مرحله پردازش یا فرآیند، مهمترین کاری که انجام می گیرد تصمیم گیری است. مدیریت دولتی با لحاظ نمودن ساختارها، رویه ها و نقاط قوت و ضعف بهترین تصمیم را اتخاذ خواهد نمود.

در مرحله سوم خروجی مطرح می شود. قوانین و مقررات در قابل قوای مجریه، قضائیه و مقننه خود را مطرح می سازند. خروجی همان اجرای مصوبات و تصمیمات است که متناسب با نیازهای متقاضیان گرفته شده است.

در مرحله چهارم بازخورد را ملاحظه می کنیم. شهروندان یا افرادی که تحت تاثیر اجرای سیاست ها قرار گرفته اند در صورت رضایت حامی جریان خواهند بود. اما اگر نارضایتی بوجود آید، اعتراض خود را بیان می دارند.

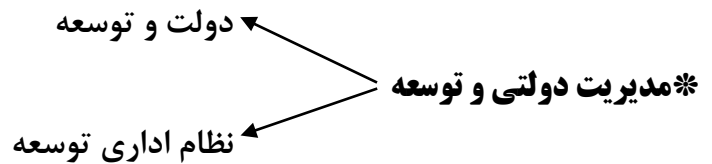
حمایت گری در ۳ نوع خود را نشان می دهد:

- حمایت مادی: پرداخت مالیات و عوارض.

- حمایت مشارکتی: شرکت در انتخابات و مجامع.

- حمایت از طریق احترام گذاشتن به قوانین و رسوم اجتماعی.

و مرحله پنجم، محیط است که از انواع نظام های آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فناوری، حقوقی و سیاسی و جغرافیایی تشکیل شده است. منظور از محیط آن است که همانطور که زمینه فعالیت مدیریت دولتی را فراهم می سازد، متقابلاً مدیریت دولتی نیز باید کلیه شرایط محیطی را در تصمیماتش مراعات نماید.



دولت ۲ وظیفه عمده دارد، ثبات و توسعه. ثبات یعنی حفظ شرایط موجود و توسعه یعنی پیشرفت همه جانبه و حرکت به سمت جلو. مدیریت دولتی و توسعه در دو محور خلاصه می گردد: دولت و توسعه / نظام اداری توسعه (الف) دولت و توسعه: مهمترین رکن رکن هر دولتی توسعه یافتگی می باشد.

دولت به علت وجود منابع کثیر مالی و غیرمالی و نیروی انسانی زیاد و سازمان های متعدد می بایست در زمینه توسعه کشور برنامه ریزی نماید. همینطور برنامه های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت را تنظیم نماید. در سال ۱۹۶۰ میلادی کشورهای شرق آسیا و کشورهای آفریقایی از نظر درآمد اقتصادی در یک سطح بودند. اما دولتمردان شرق آسیا به توسعه کشور اهمیت داده و در سال ۱۹۹۰ درآمدهای چنین کشورهایی نسبت به کشورهای آفریقایی ۳ برابر شد. به همین خاطر کشوری همچون ژاپن بازارهای اقتصادی اروپا و آمریکا را تسخیر نموده است.

ب) نظام اداری توسعه: نظام اداری را همان بروکراسی می نامند. برای اجرای سیاست های توسعه یافتگی نیازمند یک نظام اداری کارآمد، اثربخش و چابک می باشیم. نظام اداری اگر توانمند باشد کشور را به سمت تعالی و تکامل هدایت می نماید. و بالعکس چنانچه نظام اداری حالت فرسایشی و کندی عمل باشد بعنوان کاهنده منابع مالی محسوب می گردد. نظام اداری فاسد و ناسالم در دراز مدت جامعه را دچار سرگردانی، عقب گرد و بلا تکلیفی می نماید که در راس آنها نارضایتی شهروندان شکل خواهد گرفت. هرچقدر برنامه توسعه خوب باشد، اما اجرا نشود، توفیقی برای کشور نخواهد داشت. اما اگر نظام اداری که همان مدیریت دولتی منظورمان است کار خود را به شایستگی انجام دهد، آنقدر ظرفیت دارد که سیاست های نامناسب توسعه کشور را با اجرای خوب خود به دستاوردهای عظیمی تبدیل می نماید.

*** رویکردهای ۳ گانه مدیریت دولتی: اقتصادی - سیاسی - قانونی**

در یک دیدگاه مدیریت دولتی را در قالب ۳ رویکرد مورد بررسی قرار می دهند:

۱- **رویکرد اقتصادی:** چنین رویکردی اذعان دارد که مدیریت دولتی از اصول و مبانی مدیریت بازرگانی در سازمان خود استفاده نماید. سازمان همانند یک کسب و کار دیده می شود و در راستای کارآیی، صرفه جویی و رشد سرمایه تلاش می نماید.

۲- **رویکرد سیاسی:** چنین رویکردی اعتقاد دارد که مدیریت دولتی باید زمینه آزادی بیان، رشد سیاسی و پاسخگویی شهروندان را فراهم سازد و معیارهای اشاره شده اولویت نخست مدیریت دولتی می باشد. در چنین

رویکردی مدیریت دولتی برای خشنودی مخاطبان خود صرفه جویی و کارآیی را اولویت دوم یا سوم خود قرار می دهد. رویکرد سیاسی به احزاب سیاسی و رسانه ها اهمیت خاصی می دهد.

۳- **رویکرد قانونی یا حقوقی:** اجرای مقررات برای همگان و رفع تبعیض بعنوان اولین اولویت لحاظ می شود. رویکرد قانونی با بی عدالتی مبارزه می نماید. سعی می کند حریم شخصی افراد حفظ شود و هیچگونه سوء استفاده از قوانین وجود نداشته باشد. رویکرد قانونی، مدیریت دولتی را همچون یک قاضی می پندارد که به کار دادرسی پرداخته و میان مراجعان به عدالت رأی صادر می نماید و حکمیت می کند.

*مدیریت دولتی و ارزشی ها

همانطور که در تفکر سیستمی اشاره گردید مدیریت دولتی بر اساس نظام ارزشی جامعه اقدام می نماید و هر جامعه و هر فرهنگی یک جامعه ارزشی تعریف نموده است. بطور مثال در برخی از کشورها فردیت عدالت و برابری بعنوان نظام ارزشی شناخته می گردد. در پاره ای از حکومت ها شفافیت درستکاری صداقت و پاسخگویی بعنوان نظام ارزشی مدنظر قرار می گیرد. اما در یک نگاه کلی برای آنکه مدیریت دولتی ارزشی را رعایت نماید لازم است از یک الگوی ۵ بخشی پیروی نماید. این الگوی ۵ بخشی عبارت است از:

۱- منافع عامه: عبارت است از اهمیت دادن به مردم و رعایت حقوق آنها را داشتن. در این بخش ضرورت دارد به عموم مردم پاسخگویی عادلانه ای ارائه گردد.

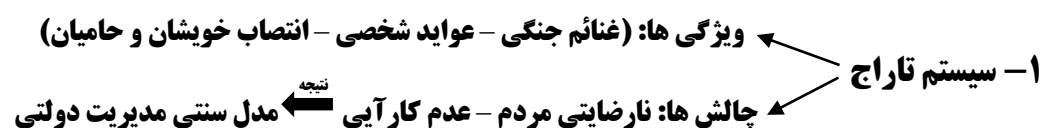
۲- منافع سازمانی: عبارت است از محقق ساختن اهداف بطوری که مسئولیت پذیری اجتماعی کاملاً رعایت شود و سازمان نسبت به شهروندان و مخاطبان پاسخگو باشد. در منافع سازمانی کارکنان، مشتریان، تامین کنندگان مواد اولیه اجتماع و سهام داران مهم باشند.

۳- منافع شخصی: در حوزه مدیریت دولتی هر شخصی وظایف خود را به شایسته ترین صورت انجام دهد تا سایر اعضای جامعه از خدمات وی بهره مند گردند.

۴- منافع شغلی (منافع قانونی): به این معنا است که در شغل خویش قانون را ملاک عمل قرار دهد. قانون بیانگر منافع عمومی جامعه می باشد. پیروی از قانون در مشاغل بصورت صحیح باعث می گردد مخاطبان از نحوه عملکرد ما رضایت داشته باشند.

۵- منافع حرفه ای: عبارت است از بروز رسانی مهارت ها به گونه ای که هر فردی بهترین بهره وری را ارائه کند و موجب می گردد که به آخرین دانش جهانی آشنایی پیدا کند. منافع حرفه ای لحظه به لحظه به کیفیت می انجامد.

*مراحل تکامل مدیریت دولتی (مبانی مدیریت دولتی - مدل های مدیریت دولتی)



۲- مدل سنتی مدیریت دولتی (اداره امور سنتی (دولتی سنتی))

مبانی نظری: نظریه بروکرسی (ماکس وبر)
نظریه جدایی سیاست و اداره (ویلسون)

حاکمیت ضوابط بر روابط

ویژگی ها: سلسله مراتب

شایسته گزینی

افزایش انتظارات عمومی

چالش ها: موفقیت بخش سنتی

تغییر جهانی

ناکارآمدی سازمان ها

راه حل

← مدیریت دولتی نوین

۳- مدیریت دولتی نوین

نظریه انتخاب عمومی - تئوری اصیل و وکیل

مبانی نظری:

مدیریت بخش خصوصی

الف: خصوصی سازی - کوچک سازی - مدیریت گرایی - تمرکز زدایی - دیوان سالاری زدایی

ویژگی ها: ب: دولت کوچک و ناظر - دولت کارآمد و اثربخش - دولت منعطف و خلاق - دولت شهروند محور - دولت پاسخگو

دولت نتیجه گرا - دولت سالم - دولت مجازی - دولت مشارکت جو و توانمندساز

کمرنگ شدن مرز خصوصی و عمومی - محدود شدن دریافت کنندگان خدمات - تهدید جامعه مدنی - حاکمیت نظریه

چالش ها: متضاد با مردم سالاری - سیاسی کاری در ارائه خدمات - توزیع غنائم به سبک جدید - تهدید پاسخگویی عمومی -

تضعیف بخش دولتی - تهدید اعتماد مردمی - تشکیل سازمان های مضطرب

راه حل ها: خدمات عمومی نوین (نهضت خدمات عمومی نوین - مدیریت خدمات عمومی نوین)

شاید مهم ترین سر فصل مدیریت دولتی عبارت است از تشریح تولد و تکامل مدیریت دولتی. در ابتدای ترم مدیریت دولتی بصورت کامل تعریف شد اما برای آنکه به تاریخچه مدیریت دولتی پی ببریم از ابتدا روند شکل گیری آن را توضیح می دهیم.

مدیریت دولتی در یک نگاه جامع ۴ مرحله را سپری نموده است:

۱- سیستم تاراج (توزیع غنائم جنگی)

۲- مدل سنتی مدیریت دولتی

۳- مدیریت دولتی نوین

۴- نهضت خدمات عمومی نوین

سیستم تاراج: در این مرحله بجای آنکه قانون و مقررات بعنوان معیار حکومتی باشند، وفاداری به سلطان یا پادشاه شاخصی بود برای بدست آوردن مشاغل و مناصب حساس مملکتی. شخص پادشاه تلاش می کرد که دوستان، خویشاوندان و حامیان خود را به کارها و برنامه های حکومتی مشغول سازد و در مقابل مخارج و پولهای هنگفتی تحت عنوان مالیات از مردم گرفته می شود.

سیستم حکومتی: بعنوان سیستم توزیع غنائم جنگی مطرح بود. لازم به ذکر است سیستم توزیع غنائم جنگی به علت آنکه از شیوه های عمومی و غیر عقلایی استفاده می کرد موجب نارضایتی مردم شد. ارائه خدمات کمترین بهره وری را داشت تا جایی که در یکی از انتخابات های ریاست جمهوری، شخصی پس از پیروزی در مقابل درخواست حامیانش ایستاد و منجر به قتل وی شد. از اینجا بود که مرحله دوم ظهور بروز نمود. همان طور که در قبل متذکر شدیم شرایط زمانی در قرن ۱۷ و ۱۸ به گونه ای بود که پادشاه یا وزیر زمام امور را برعهده گرفته و کلیه پستهای کلیدی میان بستگان و دوستان توزیع می گردید. از سویی دیگر صاحب منسبان کشور برای تداوم مسئولیت خویش ناگزیر بودند که مخارجی را به حاکمیت پرداخت نمایند و خدماتی که ارائه می گردید در پایین حد کیفیت بود. بی عدالتی، تبعیض های ناروا، خواسته های نامعقول، باج خواهی از مردم، نگاه از بالا به پایین جزء پیامدهای سیستم تاراج محسوب می گردید. اگر به تاریخچه سیستم تاراج نگاه کنیم، متوجه می شویم که در ابتدای امر هواداران و حامیان تقاضاهای غیر منطقی داشتند که همین امر سیستم حکومتی را با چالش هایی فزاینده روبه رو می ساخت. پس از حادثه کشته شدن رییس جمهور وقت آمریکا، اندیشمندان و صاحب نظران، قانون استخدام کشوری را در آمریکا مصوب نمودند. قانون استخدامی بنام «پندلتون» نامگذاری گردید. برای برون رفت از چنین معضلاتی رویکرد مدیریت دولتی سنتی متولد گردید.

مدل سنتی مدیریت دولتی: همانطوری که اشاره گردید برای از بین رفتن سیستم توزیع غنائم جنگی، مدل سنتی مدیریت دولتی با بهره گیری از اندیشه های «وِبر» و «ویلسون» بوجود آمد که در نوع خود یک حرکت اصلاح گرایانه و رو به تکامل محسوب می شد.

الف) نظریه بروکراسی: شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی طوری رقم خورد که ماکس وبر با ارائه مدل ایده آل بروکراسی به مردم آن زمان خدمت بزرگی ارائه می نمود. بروکراسی در راستای توسعه شایسته سالاری بوجود آمد. افراد و کارکنان سازمان ها و نهادها بر اساس آزمون استخدامی و شایسته گزینی مشغول به کار شدند. پس از شروع فعالیت، آموزش های مداوم ارائه می شد. افراد استخدام شده صرفا از پایتخت نبودند و از

نقاط مختلف آن مرز و بوم‌گزینش می‌گردیدند. بروکراسی دارای چند ویژگی می‌باشد: سلسله‌مراتب - قوانین و مقررات - مستندسازی - غیر شخصی بودن مناصب - جدایی مدیریت از مالکیت.

ماکس وبر تلاش می‌کرد با ارائه مدل بروکراسی قوانین و مقررات را حاکم سازد و کارکنان بجای آنکه به رییس سازمان وفادار باشند از سیاست‌های تصویب شده پیروی نمایند. ماکس وبر تلاش نمود که با طراحی بروکراسی در راستای منطقی نمودن سازمان‌ها قدم بردارد. ماکس وبر اذعان نمود اگر بتوانیم افراد خُبره را مشغول کار کنیم، ارائه خدمات بهتر خواهد شد. بروکراسی عواطف شخصی را از صحنه اجرا دور می‌نماید.

ب) نظریه جدایی سیاست و اداره (ویلسون): ویلسون پایه‌گذار مدیریت دولتی است. ویلسون نظریه جدایی سیاست از اداره را در راستای مراحل تکاملی رشته مدیریت دولتی عنوان نمود. ویلسون برای آنکه سیاست و اداره را در جایگاه واقعی‌شان قرار دهد، عنوان نمود که سیاست صحنه رقابت مردان سیاسی می‌باشد و اداره نیز محل رقابت افراد کارآمد و توانمند است. اگر در حوزه سیاسی تغییراتی بوجود آید هیچ ضرورت و لزومی ندارد که کارکنان بخش اداری نیز جا به جا شوند یا تغییر کنند. ویلسون با ارائه نظریه جدایی سیاست از اداره تلاش کرد که بر کیفیت بیافزاید. ویلسون اعتقاد داشت که رابطه و نقطه تلاقی سیاست و اداره سرآغازی است برای فسادهای سیاسی و اداره بازیچه دست سیاستمداران خواهد بود.

- ویژگی‌ها: شایسته‌سالاری، سلسله‌مراتب، حاکمیت ضوابط بجای روابط - استفاده نمودن از انسان‌های لایق در قالب آزمون‌های استخدامی - رشد و رضایتمندی نسبی مردم جزء دستاوردهای مدل سنتی مدیریت دولتی محسوب می‌گردد.

- چالش‌ها: همانطوری که بروکراسی و نظریه ویلسون در آن مقطع زمانی یک موفقیت و کامیابی محسوب می‌گردید، اما به مرور زمان توانمندی و خوب بودن خود را بخاطر پاره‌ای از مسائل روزگار از دست داد. بطوری که گاهی از اوقات در سازمان‌ها آنقدر قوانین سخت‌گیرانه اعمال می‌شد که شهروندان از چنین مدلی ابراز نارضایتی نمودند.

مدل سنتی مدیریت دولتی در نوع خود در برابر با سیستم تاراج یک اصلاحات سترگی را بوجود آورد. بطوری که خویشاوند سالاری و حامیان پروری جای خود را به شایسته‌سالاری داد. مدل سنتی مدیریت دولتی در صدد بود که نواقص سیستم گذشته را برطرف سازد، اما در صحنه عمل آنچه که در ابتدا صحیح و مفید تصور می‌گردید مورد شک و شبهه قرار گرفت و نتوانست به انتظارات عمومی پاسخی محکمه‌پسند ارائه نماید. چالش‌های مدل سنتی مدیریت دولتی در دو بُعد خرد و کلان خلاصه می‌شود.

۱- ناکارآمدی مدل‌های بروکراسی: ماکس وبر در ابتدا بروکراسی ایده آل را در راستای ارائه خدمات مطلوب‌تر بنیان‌گذاری نمود، اما در عمل، کاغذبازی، متورم شدن ساختار، تشریفات زاید اداری، مقررات دست و پاگیر و کاهش کارآمدی کارکنان دست به دست هم داد تا اعتماد مردم را به چنین مدلی کاهش دهد.

۲- موفقیت بخش خصوصی: هنگامی که عملکرد بخش خصوصی و بخش دولتی را با یکدیگر مقایسه می‌نمایند، خود به خود به استفاده از مدیریت بخش خصوصی در ساختارهای دولتی ترغیب می‌گردند.

۳- افزایش انتظارات عمومی: سطح آگاهی مردم افزایش یافته و علاقه‌مند هستند از بدو تولد تا انتهای عمر خدمات شایسته‌تری را از مدیریت دولتی شاهد باشند.

۴- رقابت جهانی: از دهه ۱۹۷۰ به بعد، جهانی شدن مطرح گردید. به موازات آن رقابتی شدن کشورها، افزایش بهره‌وری و تغییرات گسترده فناوری موجب گردید که مدل سنتی مدیریت دولتی یا مدل کلاسیک مدیریت دولتی نتواند خود را با تقدیرات جهانی همگام سازد.

دلایل ۴ گانه فوق‌الذکر باعث شد که اعتبار الگوی سنتی مدیریت دولتی مورد خدشه واقع شود و برای برون‌رفت از چنین حالتی مدیریت دولتی نوین مطرح شد.

– مدیریت دولتی نوین: از مدیریت دولتی نوین تحت عناوین مدیریت گرای، دولت کارآفرین و اداره امور دولتی مبتنی بر بازار یاد می‌گردد. مدیریت دولتی نوین یکسری راهکارهای اصلاحی را برای مدل سنتی ارائه نمود که در ابتدا مبانی نظری آن مطرح می‌شود:

*** مبانی نظری مدیریت دولتی نوین:**

۱- تئوری انتخاب عمومی: این نظریه بیان می‌دارد که علمای سیاست همچون دانشمندان اقتصاد رفتار می‌کنند و رفتار بازیگران سیاسی همچون فعالیت‌های تجار، بازرگانان و صنعت‌گران می‌باشد. آنها منفعت شخصی را بر منفعت عامه ترجیح می‌دهند. هر کنش و واکنشی که صورت می‌پذیرد در راستای افزایش سرمایه شخصی سیاست‌مداران است. عرصه سیاست شبیه بازار اقتصادی است که رأی‌دهندگان، سیاست‌مداران، کارکنان دولتی و دولت هر کدام در راستای حداکثر نمودن سود خویش گام بر می‌دارند. این تئوری بیان می‌دارد به منظور افزایش بازدهی مدیریت دولتی چند رویه و شیوه مدنظر قرار گیرد.

الف) کارآمدی و اثربخشی در فعالیت‌های مدیریت دولتی لحاظ گردد.

ب) اطلاعات و کلیه منابع و هزینه‌ها بصورت شفاف به اطلاع عموم برسد.

ج) ساختارهای دولتی در راستای رقابتی شدن همچون نظام بازار حرکت نماید.

۲- تئوری اصیل و وکیل: (اصیل = مردم، وکیل = مدیریت دولتی)

این تئوری بیان می‌دارد که همانند سهام‌داران و مدیران عامل می‌توانیم اقدام نماییم. به این معنا که مدیرعامل در بخش خصوصی، خود را پاسخگوی سهام‌داران می‌داند. از این‌الگو در مدیریت دولتی نوین بهره‌برداری می‌نماییم. به عبارت واضح‌تر، مردم صاحبان سهام می‌باشند و مدیریت دولتی وکیل آنها است و باید به گونه‌ای رفتار نماید که منفعت اکثریت مردم افزایش یابد و از شیوه برون‌سپاری در فعالیت‌ها استفاده می‌نماییم.

۳- مدیریت بخش خصوصی: این نظریه بیان می‌دارد که از اصول شبه‌بازرگانی در مدیریت دولتی می‌توان استفاده کرد و همانند مدیریت بخش خصوصی به تحصیل منابع و کسب نتایج همت‌گمارد. مدیریت دولتی باید بتواند از مدل‌های موفقیت‌آمیز بخش خصوصی همچون صرفه‌جویی، اثربخشی و کارآیی استفاده کامل به عمل آورد.

*** ویژگی‌های مدیریت دولتی نوین:**

در ابتدا مدیریت دولتی نوین را از دیدگاه «آون هیوز» تعریف می‌نماییم. مدیریت دولتی نوین ۳ جزء مهم دارد:

– استراتژی: عبارت است از تعریف اهداف بلندمدت و تدوین برنامه‌های عملیاتی دولت.

– مدیریت مؤلفه‌های درونی: عبارت است از تامین منابع انسانی و هدایت کارکنان و بررسی عملکرد آنها.

– مدیریت مؤلفه‌های بیرونی: عبارت است از ارتباط با سازمان‌های مستقل و مردم و رسانه‌ها.

نتیجه آنکه «آون هیوز» اعتقاد دارد که مدیریت دولتی نوین باید ضمن تدوین استراتژی‌های دولت در راستای تامین منابع انسانی مورد نیاز و کسب اطلاعات از محیط پیرامون قدم بردارد.

در ادامه ویژگی های مدیریت دولتی نوین ۲ دسته بندی متفاوت از چنین خصلت هایی را ارائه می نماییم.
دسته بندی ۱: مدیریت دولتی نوین دارای ۵ جزء می باشد: کوچک سازی - خصوصی سازی - مدیریت گرایي - تمرکز زدایی - دیوان سالاری زدایی. که هر یک از آنها را به اختصار توضیح می دهیم.
- کوچک سازی: عبارت است از کاهش اندازه و قلمروی فعالیت های دولت.
- خصوصی سازی: عبارت است از واگذاری برخی از کارکردهای دولت به سایر بخش های جامعه، نظیر بخش خصوصی.

- مدیریت گرایي: عبارت است از بکارگیری اصول بازرگانی در انجام دادن اقدامات.
- تمرکز زدایی: واگذاری اختیار تصمیمات مهم به دریافت کنندگان خدمات عمومی.
- دیوان سالاری زدایی: عبارت است از کاهش مقررات، قوانین، رویه ها و روش های انجام کارها.
دسته بندی ۲: لازم به ذکر است مدیریت دولتی نوین تلاش نمود که به سهم خویش شیوه های اصلاح گرایانه را در انجام کارها مدنظر قرار دهد. از دیدگاه دکتر ناصر سپاسی، مدیریت دولتی نوین دو مسیر را مطرح ساخت: نظام اداری توسعه یافته (دولت توسعه) - توسعه نظام اداری.
- دولت توسعه در راستای برنامه های ملی، همچون استفاده از بخش خصوصی، مشارکت با احزاب سیاسی و بهره جستن از نهادهای داوطلبانه تلاش می نماید.
- توسعه نظام اداری به منظور داشتن ساختارهای دولتی چابک همت می دارد، همچون صدور گواهی نامه یا گذرنامه در یک روز کاری.

از دیدگاه دکتر عباس منوریان، مدیریت دولتی نوین دو رویکرد را مطرح می سازد:

۱- رویکرد خرد (مهندسی مجدد - بهبود مستمر - خصوصی سازی)

۲- رویکرد کلان (دولت خوب و حکومت داری خوب)

دولت خوب به معنای دولت کارآفرین تعبیر می گردد و حکومت داری خوب به این معنا است که دولت از کلیه اجزای حکومتی همچون بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی استفاده می نماید. اما مدیریت دولتی نوین دارای ۹ ویژگی متمایز می باشد، که عبارتند از: دولت کوچک و ناظر - دولت کارآمد و اثربخش - دولت منعطف و خلاق دولت نتیجه گرا - دولت شهروند محور - دولت پاسخگو و شفاف - دولت سالم - دولت مجازی - دولت توانمندساز و مشارکت جو. که در ادامه به توضیح این ویژگی های متمایز کننده می پردازیم.

+ دولت کوچک و ناظر: عبارت است از دولتی که در راستای مقررات زدایی، خصوصی سازی و بازارگرایی فعالیت می کند. دولت در صحنه اجرا به علت آنکه نتوانسته است از منابع ملی استفاده مطلوبی داشته باشد به سمت کوچک سازی سوق داده می شود. کوچک سازی در پرتوی بازارگرایی بوجود می آید. به این معنا که از اصول مدیریت بازرگانی در سازوکارهای مدیریت دولتی استفاده می کند.

از طرف دیگر، کوچک سازی بوسیله کاهش مقررات دست و پاگیر رخ خواهد داد. مقررات و قوانین مدل سنتی آنقدر گسترده است که مخاطبان را سر در گم می نماید. ضمناً دولت بجای آنکه نقش عامل داشته باشد به دولت ناظر مبدل می شود و از توان بخش خصوصی برای انجام کارها بهره خواهد گرفت. اگر دولت نظارت را سرلوحه فعالیت های خود قرار دهد در امر تصمیمات کلان جامعه بهتر نقش آفرینی خواهد کرد.

+ دولت کارآمد و اثربخش: دولتی است که به استناد گفته دکتر ساعتچی برای بهره‌وری ملی تلاش می‌نماید. بهره‌وری ملی عبارت است از انجام درست کارهای درست. برای آنکه بهره‌وری ملی نائل شویم لازم است در حوزه تجدید ساختار منابع انسانی و فرآیندهای انجام کار، قوانین بی‌خاصیت، آموزش نیروی انسانی و نظام ارزیابی عملکرد بازبینی گسترده‌ای صورت پذیرد. نکته قابل توجه آن است که بهره‌وری سازمانی بوجود منابع انسانی کارآمد و پر تلاش وابسته است.

+ دولت نتیجه‌گرا: در زمان گذشته بودجه بندی دولت‌ها به روش سنتی انجام می‌شد، اما در مدیریت دولتی نوین بودجه بندی بر اساس برنامه‌ها است و چرایی هزینه کردن جای خود را به چگونه هزینه کردن داده است. یعنی در گذشته هدف آن بود که اهدافی نوشته شود و بودجه‌ای بدست آید. اما در مدیریت دولتی نوین، علت و دلایل انجام کار مشخص می‌شود که بعنوان نمونه چنین برنامه‌ای توجیه اقتصادی دارد یا خیر؟ دولت نتیجه‌گرا در راستای عملکرد سازمانی و دستیابی به ستاده‌ها فعالیت می‌نماید.

+ دولت منعطف و خلاق: رمز و راز موفقیت برخی از کشورهای توسعه یافته مدیون اندیشه‌های خلاقانه مدیران آن جامعه می‌باشد. دولت خلاق و منعطف در راستای تفکرات مهندسی مجدد و نظام اداری یادگیرنده سرمایه‌گذاری می‌نماید.

مهندسی مجدد چیست؟ عبارت است از طرحی نو در انداختن به این معنا که نگرش‌ها و تفکرات بصورت زیربنایی متحول شود و رویکردی انقلابی رخ دهد که لازمه آن توجه به استراتژی، فرهنگ، ساختار و تکنولوژی اطلاعات می‌باشد. به این معنا که چشم انداز سازمان‌ها مشخص شود. فرهنگ نوآوری ترویج گردد. ساختارها از حالت سلسله‌مراتب به سمت افقی گرایش پیدا نماید و در تمامی فرآیندها از فناوری اطلاعات بهره‌جوییم. نظام اداری یادگیرنده در راستای تفکرات سازمان‌های یادگیرنده قدم بر می‌دارد. سازمان یادگیرنده چه نوع سازمانی است؟ سازمان‌های یادگیرنده دارای ۵ مؤلفه می‌باشند:

۱- تفکر سیستمی ۲- آرمان یا اهداف مشترک ۳- کارگروهی ۴- توسعه قابلیت‌های شخصی
۵- تغییر مدل‌های ذهنی

اگر در جوامع کنونی بتوانیم از این تفکر استفاده کنیم در راستای خلاقیت و انعطاف پذیری دولت قدمی برداشته‌ایم.

+ دولت شهروند محور: دولتی است که به رضایت شهروندان بها می‌دهد و برای جلب رضایت آنها کیفیت را بعنوان بالاترین شاخص در نظر می‌گیرد. ارباب رجوع زمانی از دستگاه دولتی راضی است که کیفیت خدمات در حد مناسب و شایسته‌ای باشد.

کیفیت چیست؟ در یک تعریف ساده هر آنچه که انسان از آن لذت ببرد تا کیف کند، کیفیت نام دارد. اما در تعریف عینی، کیفیت برابر است با مقایسه سطح انتظارات با عملکرد. اگر عملکرد سازمانی از سطح انتظارات مخاطبان خود بیشتر باشد، کیفیت در حد اعلا می‌درخشد.

از دیدگاه ژاپنی‌ها، کیفیت مسابقه‌ای است که آغاز شده و هیچ پایانی ندارد. کیفیت ابعادی دارد که در ۸ مؤلفه خلاصه می‌شود: اطلاع‌رسانی - سرعت - صحت - سادگی - رفتار مناسب - زیبایی کار - قانونمندی - انعطاف پذیری.

- اطلاع رسانی: هنگامی که فرد به سازمانی مراجعه می نماید باید مکان یا محلی وجود داشته باشد که به سوالات بدیهی و ابتدایی فرد پاسخ دهد.

- سرعت: انسان علاقه مند است که در انجام کارهایش به سرعت به نتیجه دلخواه برسد.

- صحت: عبارت است از درست انجام دادن کارها که اشکال یا ختشه ای در نتیجه کار پدید نیاید. متأسفانه در پاره ای از مواقع حتی در صدور شناسنامه یا گواهی نامه نواقصی مشاهده می شود که زمان مخاطب را تلف می نماید.

- سادگی و سهولت: ارباب رجوع از کارهای پیچیده و مشکل غیرقابل هضم اجتناب می ورزد. سهولت و سادگی باعث خواهد شد که انجام کارها برای اشخاص ملموس تر و محسوس تر شود. حتی سادگی و سهولت بر میزان سرعت عمل نیز می افزاید.

- رفتار مناسب: گاهی از اوقات شاید نتوان خواسته مخاطب را برآورده ساخت اما با لحنی مؤدبانه و رفتاری منظم می توان در حد معقول وی را اقناع نمود. از همین رو برگزاری دوره های اخلاق حرفه ای در سازمان موجب می گردد که رفتارهای صحیح و شایسته را به نیروهای انسانی آموزش داد.

- زیبایی کار: مرتب بودن، تمیز بودن، آراسته بودن، شهروندان را ترقیب می نماید که با اشتیاق و انگیزه به سازمان های دولتی برای انجام امور مراجعه نمایند که در این رهگذر تکنیک ۵S رهگشا خواهد بود.

- ۵S چیست: تشخیص - ترتیب - تنظیم - تکلیف و تثبیت.

- قانونمندی: عبارت است از اجرای صحیح قوانین بطوری که همگان از اجرای عدالت خشنودند و از تبعیض گریزان می باشند.

- انعطاف پذیری: قوانین طوری طراحی شوند که در انجام دادن کارها قدری انعطاف و سهل گیری وجود داشته باشد و قانون در خدمت ارباب رجوع باشد.

+ دولت پاسخگو و شفاف: پاسخگویی ضامن بقای هر دولتی است. پاسخگویی، اعتماد به نفس عمومی می آفریند و مشروعیت نظام را افزایش می دهد. پاسخگویی قدرت های فسادآور را به پای میز محاکمه می کشاند. پاسخگویی نظارت همگانی را توسعه می دهد. پاسخگویی موجب می شود که دولت بداند در راه چه اهدافی باید تلاش نماید.

+ دولت سالم: دولتی است که از یک نظام اداری فساد برانگیز تبری جوید و باعث شود تا در ارکان همه سازمان ها یک نوع سلامت اداری بصورت فراگیر گسترش یابد.

- فساد چیست؟ استفاده شخصی از منافع عمومی که نیازهای یک فرد را علی الظاهر تامین می نماید.

راه های مقابله با فساد اداری و ترویج دولت سالم:

۱- تقویت اثربخش آموزه های دینی (خود کنترلی)

۲- حضور رسانه ملی

۳- پاسخگویی مدیریت دولتی مردم سالار

۴- مشارکت همه جانبه مردمی در قالب نمادهای مردمی (NGO)

۵- حضور نهادهای نظارتی

۶- پاسخگویی نظام سیاسی به مردم

+ دولت مجازی: دولتی است که از فناوری اطلاعات بهره می جوید و باعث خواهد شد که بهره وری اقتصادی افزایش یابد، فرصت های شغلی جدیدی ایجاد شود، اثرات زیان بار زیست محیطی کاهش یابد و مردم شبانه روز از چنین خدماتی استفاده مطلوبی داشته باشند.

+ دولت مشارکت جو و توانمندساز: بازیگران عمده هر دولتی در ۳ محور قرار می گیرند. قوای: مقننه، مجریه و قضائیه - بخش های مردم نهاد و سازمان های غیرانتفاعی - بخش خصوصی
یک دولت مقتدر و صاحب انگیزه بستری را فراهم می کند که همه بازیگران که در بالا اشاره شد در این عرصه حضور بهم رسانند و در تدوین برنامه ها مشارکت کنند.

*** نتیجه گیری کلی: مدیریت دولتی نوین از فنون و سبک های بازار و مدیریت بخش خصوصی کمک می گیرد، اما مهمترین انتقادی که به آن وارد است، آن است که دریافت کنندگان خدمات محدود می شوند و اصطلاحاً اغنیا غنی تر و فقرا فقیرتر می شوند. مدیریت دولتی نوین به کارآیی، اثربخشی و بهره وری بیش از اندازه بها می دهد، اما برابری، عدالت، انصاف و پاسخگویی را نادیده می گیرد.

* نهضت خدمات عمومی نوین: بر اساس اندیشه های دانشمندی بنام «دِنِهَارْت» نهضت خدمات عمومی نوین شکل گرفت. در این مدل، اخلاقیات، آزادی بیان، تنوع گرایی و مشارکت طلبی اقلیت در کنار اکثریت و بها دادن به همه مردم مطرح گردید. نهضت خدمات عمومی نوین بر اساس مبانی پُست مُدرن، جامعه مدنی، سازمان های انسان گرایانه و شهروند دموکراتیک خلق شد. نهضت خدمات عمومی نوین، جامعه را همانند یک کشتی می داند که شهروندان صاحب و مالک آن هستند و همه با هم در کنار یکدیگر در انجام برنامه های کشوری مشارکت دارند.

*** نتیجه گیری نهایی از درس مبانی مدیریت دولتی ۱ ***

بر اساس کتاب مبانی مدیریت دولتی، تاریخچه مدیریت دولتی در ایران از بدو تاسیس تا کنون عبارتند از: حکومت های هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، آمویان، عباسیان، مغول ها، تیموریان، صفویه، قاجاریه، رضا شاه، محمدرضا پهلوی و امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.

- دوره قاجاریه ۷ پادشاه عمده داشت: آقا محمدخان قاجار، فتحعلی شاه، محمد شاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمد شاه.

* یکی از نکات اساسی در مبانی مدیریت دولتی بحث بودجه بندی می باشد که یک دولت خوب دولتی است که بتواند بودجه ای منطقی و برنامه محور تدوین نماید.

* نظام اداری شایسته از لوازمات دولت خوب محسوب می شود که در طول ترم نظام اداری توسعه و توسعه نظام اداری را شرح دادیم.

* مدیریت دولتی از ۲ کلید واژه تشکیل شده است: مدیریت و دولت.

* دولت را از لحاظ معنا، منشأ، لایه ها، ارزش ها و نقش ها و تکامل و وظایف توضیح دادیم.

* دولت ۲ رسالت دارد: ثبات و توسعه.

* فلسفه پیدایش مدیریت دولتی بیان گردید و در ادامه مدیریت دولتی را چهارچوب تفکر سیستمی شرح دادیم.

- * مدیریت دولتی ۴ مدل را تجربه نموده است: سیستم تاراج - مدل سنتی - مدیریت دولتی نوین و نهضت خدمات عمومی نوین.
- * ویلسون پایه گذار مدیریت دولتی محسوب می گردد و در کنار آن اشخاص دیگری همچون ماکس وبر، پل آپل بای و گودنو حضور داشتند.
- * بر اساس دیدگاه دکتر دانایی فرد، مدیریت دولتی ۶ رویکرد دارد: اقتصادی - قانونی - سیاسی - علمی - اخلاقی - دینی.
- * رویکرد دینی را بعنوان مدیریت دولتی مردم سالار دینی می شناسند که در قرن معاصر پایه گذارش امام خمینی(ره) می باشند.

*** سوالات مهم ***

- ۱- مدیریت و اداره را تعریف کنید.
- ۲- دلایل مطالعه رشته مدیریت دولتی چیست؟ شرح دهید.
- ۳- مردم محوری جوهره مدیریت دولتی است. دلایل ۴ گانه آن را بنویسید.
- ۴- نقش های ۱۰ گانه و ۴ گانه مدیران را فقط نام ببرید.
- ۵- معنی لغوی دولت را نوشته و دولت را از ۳ دیدگاه متفاوت تعریف نمایید.
- ۶- منشأ یا منشأهای ۴ گانه دولت کدام اند و توضیح دهید.
- ۷- وظایف دولت را در تمامی وجوه اعم از ابتدایی یا اولیه و تکامل یافته تا ثانویه مفصلاً بنویسید.
- ۸- وظایف درون مرزی و برون مرزی دولت را شرح دهید.
- ۹- نقش های ۵ گانه دولت را بنویسید.
- ۱۰- لایه های دولت را توضیح دهید.
- ۱۱- تفاوت مدیریت دولتی با مدیریت خصوصی را از لحاظ افتراق یا اشتراک توضیح دهید.
- ۱۲- دلایل دخالت دولت در اقتصاد و بازار را بنویسید و فلسفه حضور دولت در اقتصاد را شرح دهید.
- ۱۳- مدیریت دولتی را در قالب تفکر سیستمی ترسیم نمایید. (شکل و توضیح)
- ۱۴- رویکردهای ۳ گانه مدیریت دولتی کدامند؟ با توضیح.
- ۱۵- مدیریت دولتی و نقش ارزش ها را شرح دهید.
- ۱۶- مراحل تکامل مدیریت دولتی از لحاظ مبانی، ویژگی ها، چالش ها و خصلت ها را بصورت مفصل از ابتدا تا انتها نگارش فرمایید.
- ۱۷- رویکردهای ۶ گانه مدیریت دولتی از دیدگاه دکتر دانایی فرد را فقط نام ببرید.
- ۱۸- تاریخچه مدیریت دولتی در ایران را صرفاً ذکر نمایید.

*** کلمات کلیدی ***

* تعاریف دولت:

۱- کلیتی مستقل ۲- حاکمیت ۳- لایه سیاسی

* منشأ یا خاستگاه دولت:

الف) فطری یا الهی ب) جامعه شناسی ج) اقتصادی د) قانونی

* وظایف اولیه دولت:

امنیت، نظم، عدالت

* وظایف تکامل یافته دولت:

حفظ محیط زیست - حفظ منابع طبیعی - مراقبت های بهداشتی

* وظایف درون مرزی و برون مرزی دولت:

الف) درون مرزی: تقنینی - قضایی - اجرایی

ب) برون مرزی: جمعیت - قلمرو - حکومت - حاکمیت (اقتدار داخلی و استقلال خارجی)

* نقش های دولت:

تخصصی - توزیعی - تثبیتی - قانونی

* نظریات موجود در الگوی سنتی اداره دولتی:

الف) بروکراسی (ماکس وبر)

ب) تمایز سیاست و اداره (ویلسون)

* چالش ها و مشکلات الگوی سنتی مدیریت دولتی:

۱- نا کارآمدی بروکراسی

۲- موفقیت بخش خصوصی

۳- رقابت جهانی

۴- افزایش انتظارات عمومی

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

امام خمینی (ع) به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی وار زیستن و تا نزدیکی مرز عصمت پیش رفتن؛ افسانه نیست.

*** به امید موفقیت و سربلندی ایران عزیزمان ***